

بایدها و نبایدهای فلسفه اسلامی

مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری

محمد رحمانی گورجی*، طلبه سطح چهارم حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه خوارزمی
فاطمه مسجدی، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه الزهرا

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از نص سخنان مقام معظم رهبری، به بررسی اندیشه‌های ایشان درباره فلسفه اسلامی و لوازم توسعه و تعمیق آن پرداخته و در تلاش است با استفاده از روش «نظریه‌پردازی داده بنیاد» الگوی مطلوب توسعه فلسفه اسلامی را تدوین و ارائه کند. در این پژوهش، بیانات، خطبه‌ها، پیامها، احکام و فرمانها و مصاحبه‌های امام خامنه‌ای طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷ مورد مطالعه قرار گرفته و با استفاده از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی در روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، ۱۱۱ کد/مفهوم، ۲۴ مقوله و چهار بُعد بدست آمده است. در بخش نتایج، ضمن ارائه الگوی پارادایمی حاکم بر مقوله‌ها، با استفاده از یافته‌های پژوهش به سؤالات اولیه نیز پاسخ داده شده است.

نخستین در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است^۱، لذا ترسیم و تهیه لوازم اداره مسیر حرکت آن امری ضروری است. با توجه به اینکه تمدن حاصل عینیت یافتگی و امتداد مبانی شناختی-هنجاری است که در آن به پرسشهای بنیادین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پاسخ داده میشود و بر آن اساس، ارزشها و همچنین هنجارها که نسبت به ارزشها انضمامی‌ترند، تعیین میگردد تا منجر به نهادسازی و نهایتاً بازتولید نظامهای نظری-عملی گردد^۲، بنابراین مبانی فلسفی و عقلانی در شکلگیری آن جایگاه رفیعی دارد و بدون تولید فکر و تدوین مبانی معرفتی، تمدنسازی ناممکن خواهد بود^۳.
اصولاً علوم انسانی و مبانی تفکری آن هستند که جهت و مسیر هویت هر جامعه را مشخص میکند^۴

واژگان کلیدی

فلسفه اسلامی
تمدنسازی
آیت‌الله خامنه‌ای
تربیت عقلانی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران بعنوان نقطه عطف تحولات فرهنگی و سیاسی در چهل سال گذشته، گامی

(نویسنده مسئول) Email: o.wistful67@gmail.com*

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۲۳ تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۲

۱. کمالی اردکانی، «انقلاب اسلامی و بازیابی تمدن اسلامی»، ص ۷۸.
۲. جهان‌بین و معینی‌پور، «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، ص ۳۲.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات ۱۳۹۱/۷/۲۲.
۴. نبی‌زاده، مبانی فلسفی و جایگاه علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی»، ص ۱۰۵.

تا جایکه برخی تمدن و فلسفه را دوروی یک سکه و منعکس کننده یکدیگر قلمداد میکنند^۵. بر این مبناست که تمدن غرب در سابقه تاریخی خود در یونان باستان، یک تمدن عقلانی و امروزه یک تمدن حسی/ تجربی شناخته میشود.

مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله) تمدن امروزی غرب مدیون دانش و فلسفه اسلامی است^۶ و اکثر مورخان فلسفه غرب در مورد تأثیر افکار و آثار فیلسوفان مسلمان بر تفکر غربی اتفاق نظر دارند^۷. تأثیر فرهنگ و تفکر اسلامی در اروپا گسترده بوده، بگونه‌یی که مونتگمری وات مینویسد: «هنگامی که انسان از تجربه‌های فراوان مسلمانان، افکار و تعلیمات و نویسندگی‌های آنها آگاه باشد، می‌یابد که علم و فلسفه اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام، توسعه نمی‌یافت»^۸.

نظامهای علمی از دیدگاه ایشان مهمترین ابزار و عوامل پیشبرد اهداف گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است^۹. بصورت خاصتر، تاریخ پر افتخار فلسفه در جهان اسلام و تشیع و بطور اخص در ایران، از افتخاراتی است که مکرر در بیانات ایشان ذکر شده است.

این ملت، آن ملتی است که در طول قرنهای متمادی و در میان همه ملتهای مسلمان دیگر، پرچم معارف اسلامی، پرچم فقه اسلامی، پرچم حدیث اسلامی، پرچم فلسفه اسلامی، پرچم عرفان و پرچم تفسیر، به دستش بوده است. این واقعتهای فرهنگی و سابقه تاریخی ملت ماست^{۱۰}.

اصولاً از دیدگاه ایشان خاستگاه اصلی فلسفه ایران بوده و فلسفه اسلامی—ایرانی بیش از فلسفه غرب به معنای فلسفه نزدیک است^{۱۱}. مؤید این سخن از

دیدگاه ایشان تولید بیشترین آثار فلسفی و عرفانی در ایران است^{۱۲}.

بنابراین فلسفه اسلامی بعنوان یکی از پیشرانهای تمدنسازی نوین اسلامی، میبایست در انقلاب اسلامی بصورت جدی مورد توجه قرار گرفته و در سیاستگذاریها و راهبردهای علمی، آموزشی و فرهنگی، جایگاه خود را بدرستی بیابد. بدین منظور، در این مقاله تلاش شده دیدگاههای مقام معظم رهبری (حفظه الله) درباره ابیادها و نبایدهای توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی تمدن ساز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

روش‌شناسی

در دهه‌های گذشته روش‌شناسی کیفی جایگزین روش‌شناسی کمی شده است. یکی از مهمترین استراتژیهای پژوهش کیفی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. همچنین گرایش به انجام پژوهشهای کیفی، بویژه پژوهشهای منتشر شده مبتنی بر تئوری داده‌بنیاد رو به فزونی است^{۱۳}. بعقیده چارمز نظریه داده‌بنیاد در مقابل مطالعات کمی مطرح شد و با استفاده از

5. McKeon, "Philosophy as an Agent of Civilization", p.419.

۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات ۱۳۹۴/۱۰/۸.

۷. فنائی اشکوری، «نگاهی گذرا به نقش اسلام در تمدن غربی»، ص ۵.

۸. مونتگمری وات، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ص ۸۱.

۹. خسروپناه و همکاران، منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای، ص ۶۶۲.

۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات ۱۳۷۸/۹/۲۶.

۱۱. همان، ۱۳۸۹/۶/۱۴.

۱۲. همان، ۱۳۷۸/۹/۲۳.

۱۳. دانایی فرد و امامی، «استراتژیهای پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه داده‌بنیاد».

قابلیتهای این روش بود که امروزه شاهد بالندگی و شکوفایی پژوهشهای کیفی هستیم.^۳

روش نظریه داده‌بنیاد: روش داده‌بنیاد یک روش‌شناسی پژوهشی است که عمدتاً مرتبط با تحقیقات کیفی است. این روش‌شناسی در سال ۱۹۶۷ توسط بارنی گلیرز و آنسلم استراوس ارائه شد. بنا به نظر این دو پژوهشگر، نظریه داده‌بنیاد روش‌شناسی نوآورانه‌یی را بنیان مینهد که به کشف نظریه از داده‌ها کمک شایانی میکند.^{۱۵} در حقیقت، نظریه داده‌بنیاد عبارتست از «فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، بمنظور پاسخگویی به پرسشهای نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند».^{۱۶}

در این روش کشف یا تولید نظریه بر مبنای حقایق و واقعیات موجود و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و با مد نظر قراردادن تمامی جوانب (بالقوه) مرتبط با موضوع تحقیق صورت میگیرد. داده‌های جمع‌آوری شده سیر تکاملی خود را تا رسیدن به تئوری، در مراحل طی میکنند.^{۱۷}

گرچه گلیرز و استراوس روش‌شناسی داده‌بنیاد را بعنوان روشی برای دستیابی به نظریه‌های رفتاری و انسانی مبتنی بر مکتب کنش متقابل نمادین معرفی کردند^{۱۸}، اما پس از انجام یک طرح مطالعاتی مشترک در تلاش برای روشن ساختن اصول روش‌شناختی داده‌بنیاد، راههای متفاوتی در پیش گرفتند. امروزه سه رهیافت مسلط در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد قابل تمییز است: «رهیافت نظام‌مند» که با اثر استراوس و کورین^{۱۹} شناخته میشود، رهیافت «ظاهرشونده»^{۲۰} که مربوط به اثر گلیرز^{۲۱} است و «رهیافت

■ **مقام معظم رهبری: ما نباید بگذاریم فلسفه به یک سلسله ذهنیات مجرد از معنویت و خدا و عرفان تبدیل شود. راهش هم تقویت فلسفه ملاصدراست؛ یعنی راهی که ملاصدرا آمده، راه درستی است. آن فلسفه است که انسان را وادار میکند هفت سفر پیاده به حج برود و به همه زخارف دنیوی بی‌اعتنایی کند.**

.....
♦
.....
ساخت‌گرایانه» که توسط چارمز^{۲۲} حمایت میشود.^{۲۳} در این مقاله بتناسب هدف پژوهش، از رویکرد گلیرزی بهره گرفته‌ایم که نسبت به سایر رویکردها،

14. Ciarmaz, "Grounded Theory: Objectivist and Subjectivist Methods".

15. Glaser and Strauss, *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, p.1.

۱۶. منصوریان، «گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، ص ۵.

۱۷. مهرابی و همکاران، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی»، ص ۱۳.

18. Kendall, "Axial Coding and the Grounded Theory Controversy".

19. Strauss and Corbin, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*.

20. emergent

21. Glaser, *Emergence vs. Forcing: Basics of Grounded Theory Analysis*.

22. Charmaz, "Discovering Chronic Illness: Using Grounded Theory"; "Grounded Theory: Objectivist and Subjectivist Methods".

23. Creswell, *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*, p.397.

■ مقام معظم رهبری

حکمت متعالیه را بعنوان
آخرین دستگاہ فلسفه اسلامی که
توانسته پایه‌های معرفت دینی
و معنویت عرفانی را در جامعه
اسلامی تقویت نماید،
مورد توجه قرار داده‌اند.

یافته‌های تحقیق

چنانکه مطرح شد، هدف از پژوهش بررسی ابعاد توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی در انقلاب اسلامی در بیان مقام معظم رهبری (حفظه الله) بصورت رسمی و در قالب‌های مختلف دیدار با اقشار مختلف مردم و مسئولین، دیدار با فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی مرتبط و پیام به همایشها و کنگره‌ها است که در سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷ توسط دفتر رسمی حفظ و نشر آثار ایشان منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته است. بنابراین، برای انجام این پژوهش بیش از ۹۵ سند مورد بررسی قرار گرفت. در میان آنها، ۸۰ عنوان سند دارای محتوای مرتبط و قابل کدگذاری بود که بتفصیل زیر مورد تحلیل قرار گرفتند:

توصیفیتر است^{۲۴}. در هر حال، نوعی نظام یافتگی در رهیافت منتخب به نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، بر لزوم استفاده از حرکت از جزء به کل و همچنین تحلیل داده‌ها تأکید میکند^{۲۵}، که بطور خلاصه بشرح زیرند: کدگذاری باز: نامگذاری مفاهیمی که بیانگر رویدادهای قطعی و دیگر نمونه‌های پدیده‌ها هستند.

انواع اسناد	بیانات در جمع عموم مردم یا مسئولین نظام	بیانات در جمع اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی در حوزه فلسفه	پیام به بزرگداشتها، کنگره‌ها و ...
تعداد	۴۳	۳۸	۱

در گام اول، کدگذاری باز از طریق نرم افزار MAXQDA 12، تعداد ۲۲۳ مورد کدگذاری باز صورت گرفت و ۱۱۱ مفهوم از آنها برداشت شد. در این مرحله بمنظور ملاحظه بخشی از فرایند پژوهش، ابتدا قسمتی از جداول کدگذاری شده برای ملاحظه نحوه نیل از کدگذاری باز به مفاهیم و سپس به مقولات نشان داده شده و در نهایت، الگوی اولیه ارائه میگردد.^{۲۴} ساغروانی و همکاران، «تحمیل نظریه به داده‌ها یا ظهور نظریه از داده‌ها: نظریه‌پردازی در علوم انسانی با روش‌شناسی داده‌بنیاد»، ص ۱۵۳.

کدگذاری محوری: رویه‌هایی که از طریق آنها، داده‌ها در فرآیندی مستمر با هم مقایسه میشوند تا پیوند بعد از کدگذاری باز بین مقوله‌ها مشخص شود. کدگذاری انتخابی: فرآیند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزشگذاری روابط آنها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تأیید و توسعه بیشتری دارند.

بر اساس این رویه‌ها، ابتدا نکات کلیدی داده‌ها احصا و برای هر نکته یک کد معین میشود و سپس با مقایسه کدها، چند کد که اشاره به یک جنبه مشترک پدیده مورد بررسی دارند، مورد نظر قرار میگیرند، آنگاه چند مفهوم یک مقوله و چند مقوله در قالب یک نظریه متجلی میشود^{۲۶}.

25. Strauss and Corbin, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*.

26. Yvonne, "A Synthesis Technique for Grounded Theory Data Analysis".

ردیف	نکات کلیدی	کدگذاری باز
۱	ما در بخشی از رشته‌های علوم انسانی قرن‌ها جلوتر از دنیا هستیم. خیلی جلوتر از کسانی هستیم که امروز در این رشته در دنیا سرآمد بحساب می‌آیند. چرا اینها را دنبال نکنیم؟	ریشه تاریخی فلسفه در ایران
۲	اگر فلسفه را شما از قم بردارید، کسانی در جاهای دیگر، متصدی تبیین فلسفه و تدریس فلسفه میشوند که اهلیت و صلاحیت این کار را ندارند؛ کمالینکه الان میبینیم بعضی از افرادی که در غیر قم بعنوان فلسفه‌دان شناخته و مطرح میشوند، اطلاعاتشان از فلسفه سطحی است؛ نه اینکه اطلاع ندارند اما اطلاعاتشان عمیق نیست، سطحی است.	تصدیگری افراد سطحینگر
۳	این شخصیت‌های برجسته را بعنوان الگوهایی برای نسل جوان امروز ما معرفی کنید که جوان امروز بداند که میتواند الگویش این باشد. هیچ لزومی ندارد که ما یک شخصیت را از اعماق تاریک‌های قرون وسطای اروپا بکشیم بیرون، او را بعنوان یک شخصیت معرفی کنیم. اینها [الگو] هستند.	الگوسازی چهره‌های فلسفی برای جامعه
۴	مرحوم آقا شیخ محمدتقی آملی که ایشان خب شرح منظومه دارد (ملاحظه کرده‌اید) یعنی حکیم بوده؛ [البته] فقیه است، فقیه بزرگی است، در حد مرجع تقلید است اما حکیم است، یعنی دارای [تخصص] علوم عقلی است. به نظر من اینها را یکی یکی باید از کنج انزوا و آن خلوت گمنامیشان بیرون کشید و اینها را مطرح کرد؛ اینها حرف دارند، مطلب دارند.	بزرگداشت جریان‌های فکری و فیلسوفان
۵	به نظر من ارتباطات بین‌المللی شما با مجامع علمی باید زیاد باشد. امروز هم زمینه دنیای اسلام آماده است. مثلاً فرض کنید مصر حالا یک مقداری درش باز شده است. خب، این «احمد طیب» خودش جزو علاقه‌مندان به فلسفه ملاحظه‌را است؛ با اینکه میدانید در مجموعه علمای اهل سنت، گرایش عقلی و فلسفی خیلی ضعیف است. آنجا کسانی هستند که با مسائل فلسفی و حکمی ما تا حدودی ارتباط ذهنی و علمی برقرار کرده‌اند؛ خب از همین میشود استفاده کرد، ارتباطات را زیاد کنید، دعوتشان کنید، شما بروید؛ فقط برای مسائل حکمی و عقلی و عرفانی و کلامی. این هم یک نکته است که به نظر من خیلی باید به آن توجه شود.	ارتباطات و تعاملات بین‌المللی

پس از کدگذاری باز شاهد شکلگیری الگوی اولیه با نیل از کدهای باز به مفاهیم و مقولات هستیم که بخشی از آن در قالب نمونه ذیل قابل ملاحظه است:

الله) از جایگاه رفیعی برخوردار است: «فلسفه اسلامی فقه اکبر است؛ پایه دین است؛ مبنای همه معارف دینی در ذهن و عمل خارجی انسان است»^{۲۷}. ایشان فلسفه

مفاهیم	مقولات	ردیف
مانعیت نشریات غربی از چاپ آثار فلسفه اسلامی، دلباختگی به فلسفه غرب، فرهنگ تخصصگرایی، حافظه محوری بجای فکر محوری، رقیب سازی برای فلسفه اسلامی، ذهنیات مجرد از معنویت و خدا و عرفان، عدم حاکمیت اصول انقلاب اسلامی در نهادهای مولد فلسفه، دشواری تولید فکر نسبت به علم، طبیعت گسترش تفکر ناسالم در صورت فقدان تفکر صحیح	موانع و چالشها	۱
نشریه ویژه دیدگاههای فلسفی نوین، گسترش آموزش علمی و فنی، کار جبهه‌یی و شبکه‌یی در گسترش و توسعه فرهنگ علمی، تشویق نظریه‌سازان، راهبری و برنامه‌ریزی دقیق، جذب امکانات کشوری، وحدت‌انگاری عرفان و فلسفه و کلام، امتداد سیاسی و اجتماعی فلسفه، ادبیات خوب و جذاب و...	الزامات ترویج و توسعه فلسفه	۲
جایگزینی فلسفه غرب بجای فلسفه اسلامی، تبدیل مراکز حکمت به ضد حکمت، تصدیگری افراد سطحینگر	آسیبهای عدم ترویج فلسفه	۳
شروع دوران رجوع به حوزه علمیه، تصدیگری سطحینگران، جدایی کرسی درسی فلسفه از حوزه	چرایی تمرکز حوزه علمیه بر فلسفه	۴

اسلامی را یکی از لوازم حکمت برشمرده و فلسفه را در کنار عرفان و کلام اسلامی، معادل با حکمت اسلامی می‌شمارند^{۲۸}. از دیدگاه ایشان میتوان فلسفه اسلامی را تفکر روشن بینانه، عمیق و استدلالی^{۲۹} شمرد که مبنای تمامی معارف دینی است.

۲. تعمیق و توسعه فلسفه اسلامی

مقام معظم رهبری (حفظه الله) توسعه فلسفه اسلامی

۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات ۱۳۸۲/۲/۲۹.

۲۸. همانجا.

۲۹. همان، ۱۳۸۲/۳/۱۴.

در پایان، الگوی نهایی پژوهش شامل ۲۴ مقوله و ۱۱۱ مفهوم گردید که در ادامه جمع‌بندی آن ارائه میشود.

یافته‌های تحلیلی

در گام سوم پژوهش (کدگذاری گزینشی)، آنچه بعنوان جمع‌بندی دیدگاههای معظم له بدست آمد، از این قرار بوده است:

۱. مفهوم‌شناسی فلسفه اسلامی

فلسفه اسلامی در منظر مقام معظم رهبری (حفظه

را در دو محور انسجام درونی و تقویت دستگاه فلسفی و کنش بیرونی و ایجاد امتداد در مسائل جامعه، امری وزین ترسیم میکنند. ایشان حکمت متعالیه را بعنوان آخرین دستگاه فلسفه اسلامی که توانسته پایه‌های معرفت دینی و معنویت عرفانی را در جامعه اسلامی تقویت نماید، مورد توجه قرار داده و میفرمایند: «ما نباید بگذاریم فلسفه به یک سلسله ذهنیات مجرد از معنویت و خدا و عرفان تبدیل شود. راهش هم تقویت فلسفه ملاصدراست؛ یعنی راهی که ملاصدرا آمده، راه درستی است. آن فلسفه است که انسان را وادار میکند هفت سفر پیاده به حج برود و به همه زخارف دنیوی بی‌اعتنایی کند»^{۳۰}.

از طرفی، رویکرد ایشان درباره فلسفه اسلامی، ایجاد دستگاه‌های نوین علمی و فکری مبتنی بر فلسفه اسلامی و در پاسخ به نیازهای کنونی جامعه جهانی است: «از وحدت وجود، از بسیط الحقیقه کل‌الاشیاء، از مبانی ملاصدرا، اگر نگوئیم از همه آنها، از بسیاری از آنها، میشود یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درست کرد»^{۳۱}. ایشان ایجاد امتداد اجتماعی-سیاسی از فلسفه اسلامی را نه یک امکان علمی بلکه یک ضرورت تمدن‌ساز دانسته و میفرمایند:

نقص فلسفه ما این نیست که ذهنی است. فلسفه طبعاً با ذهن و عقل سروکار دارد. نقص فلسفه ما این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم و بیش تکلیفی معین میکنند، سیستم اجتماعی را معین میکنند، سیستم سیاسی را معین میکنند، وضع حکومت را معین

میکند، کیفیت تعامل مردم با همدیگر را معین میکند؛ اما فلسفه ما بطور کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی میماند و امتداد پیدا نمیکند. شما بیاید این امتداد را تأمین کنید، و این ممکن است؛ کما اینکه خود توحید یک مبنای فلسفی و یک اندیشه است؛ اما شما ببینید این توحید یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد. «لا اله الا الله» فقط در تصورات و فروض فلسفی و عقلی منحصر و زندانی نمیماند؛ وارد جامعه میشود و تکلیف حاکم را معین میکند، تکلیف محکوم را معین میکند، تکلیف مردم را معین میکند. میتوان در مبانی موجود فلسفی ما نقاط مهمی را پیدا کرد که اگر گسترش داده شود و تعمیق گردد، جریانهای بسیار فیاضی را در خارج از محیط ذهنیت بوجود می‌آورد و تکلیف جامعه و حکومت و اقتصاد را معین میکند. دنبال اینها بگردید، این نقاط را مشخص و رویشان کار کنید.^{۳۲}

این امتداد در گام نخست میبایست بر فلسفه‌های مضاف بنیادین مبتنی بر انقلاب اسلامی تمرکز نماید:

واقعاً برویم ببینیم بر اساس فلسفه ما، شکل جامعه، بنیان سیاسی جامعه، حکومت در جامعه، به چه شکلی خواهد بود؛ یعنی ما برای مسئله حکومت در فلسفه چه پاسخی

۳۰. همان، ۱۳۸۲/۲/۲۹.

۳۱. همانجا.

۳۲. همانجا.

داریم. نمیشود بگوئیم آقا فلسفه ذهنیات محض است و به مسائل زندگی و جامعه ارتباطی ندارد؛ این معنی ندارد. به نظر من بخش عمده‌یی از جاذبه فلسفه غرب، مربوط به این است.^{۳۳}

در گام دوم، باید ظرفیت حل مسائل بین‌المللی را داشته باشد:

در دنیا بطور مداوم حرفه‌ایی بوجود می‌آید، در باب اخلاق، در باب حقوق، در باب فلسفه، در باب فلسفه دین، در باب مسائل کلامی، دائم حرفه‌ای جدیدی مطرح میشود؛ نه به این معنا که همه این حرفه‌ها درست یا مهم است بلکه به این معنا که این حرفه‌ها حجم عظیمی از فضای ذهنی مردم دنیا را به خود اختصاص میدهد. با توجه به ارتباطات سریعی که امروز در دنیا هست که هر حرفی، هر فکری، هر منطقی، هر شبهه‌یی، هر راه حلی که در یک گوشه دنیا مطرح شود، گاهی در ظرف یک روز یا یک ماه به آن طرف دنیا میرسد یا میتواند برسد، باید حوزه‌یی مثل حوزه علمیه قم برنامه‌ریزی کند. افرادی را آماده داشته باشند برای طرح مسائلی که در دنیا امروز در زمینه‌های گوناگون مورد بحث است. افرادی را آماده داشته باشند برای تحقیق و تدقیق و نوآوری در همان مسائلی که امروز در خود حوزه‌های علمیه مطرح است؛ مثل مسائل فلسفه اسلامی، مثل مسائل فقه اسلامی، مثل مسائل اصول اسلامی؛ که بعضی از این مباحث اصولی ما که در مباحث الفاظ و غیره آنها را مطرح میکنیم،

امروز جزو مسائل بسیار مهمی است که در مجموعه‌های فلسفی دنیا مطرح میشود. درباره همینها تحقیق و نوآوری کنند.^{۳۴}

۳. شیوه‌ها و روشها (مقوله‌های علی)

از دیدگاه ایشان توسعه فلسفه اسلامی در انقلاب اسلامی میبایست در دو محور پایه‌ریزی گردد. در سطح آموزش و تربیت عمومی و رسمی میبایست زیرساختهای گرایش به فلسفه اسلامی ایجاد گردد و در سطح نخبگانی نیز باید بصورت خاص به فلسفه اسلامی توجه شود.

در سطح عمومی نگاه ایشان اینست که «اگر آموزش و پرورش در یک کشور ارتقاء پیدا نکند و اصلاح شود، در اقتصاد، سلامت و بهداشت، محیط زیست، مرگ و میر، باروری، زیبایی و هنر، رفتارهای گوناگون مردم در سطح جامعه با یکدیگر، و فراتر از همه اینها، در دین، فلسفه و اخلاق تأثیر خواهد گذاشت»^{۳۵}.

بر این اساس، مؤلفه‌های مورد تأکید ایشان را میتوان اینگونه تبیین نمود:

آموزشی: در ابعاد آموزشی، تقویت آموزشهای تخصصی علمی بویژه در حوزه علمیه از ضرورت‌های توسعه فلسفه اسلامی است.^{۳۶} همچنین در سطح عمومی، نوجوانان و جوانان میبایست در یک مسیر استعدادسنجی قرار گرفته و نخبگان فلسفی شناسایی شوند.^{۳۷} از دیگر

۳۳. همان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۳.

۳۴. همان، ۱۳۷۹/۶/۲۰.

۳۵. همان، ۱۳۸۵/۲/۱۲.

۳۶. همان، ۱۳۷۸/۶/۲۸.

۳۷. همان، ۱۳۹۵/۲/۱۳.

دغدغه‌های ایشان در مورد ابعاد آموزشی فلسفه اسلامی در جامعه، مبحث فلسفه برای کودکان است: «محتوا هم در همین فلسفه کودکان حائز اهمیت است، اما عمده، شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است»^{۳۸}.

فرهنگی: مؤلفه‌های فرهنگی‌یی که باید در جامعه بعنوان زیرساخت توسعه فلسفه مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از: فرهنگ علمی^{۳۹}، روحیه اعتماد به نفس^{۴۰} و ارزش‌انگاری علوم عقلی در جامعه^{۴۱}.

اخلاقی: حاکمیت اخلاق در جامعه علمی از دیگر الزامات توسعه فلسفه اسلامی است: «اگر آموزش و پرورش در یک کشور ارتقاء پیدا نکند و اصلاح شود، در اقتصاد، سلامت و بهداشت، محیط زیست، مرگ و میر، باروری، زیبایی و هنر، رفتارهای گوناگون مردم در سطح جامعه با یکدیگر، و فراتر از همه اینها، در دین، فلسفه و اخلاق تأثیر خواهد گذاشت»^{۴۲}.

تربیتی: تربیت عقلانی علاوه بر جلوگیری از نفوذ شبهات در ذهن نوجوانان و جوانان، میتواند بستر لازم برای فراگیری علوم فلسفی را در آنها ایجاد کند^{۴۳}.

علمی: یکی دیگر از الزامات گفتمان‌سازی فلسفه اسلامی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی علوم در منظر جامعه است. مبنای اولویت‌بندی علوم نیز نیازهای کنونی جامعه است^{۴۴}.

تبلیغی: علاوه بر ایجاد زیرساختهای فوق، «دعوت جوانهای ما به علوم عقلی، بسیار مهم است»^{۴۵}. همچنین علاوه بر دعوت مستقیم، نمایاندن قله‌ها و الگوسازی برای جوانان از اهمیت

بالایی برخوردار است^{۴۶}.

بموازات این رویکرد، جامعه نخبگانی و فلسفی نیز میبایست مجموعه اقداماتی را برای توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی صورت دهند که میتوان این اقدامات را چنین دسته‌بندی نمود:

— **رویکردها و تدابیر:** بعقیده معظم له، جامعه فلسفی در عصر کنونی باید نسبت به دستاوردهای گذشتگان با یک برنامه‌ریزی و راهبری دقیق^{۴۷}، اولاً، اقدام به منظومه‌سازی آراء نموده^{۴۸} و ثانیاً، برای بهره‌برداری نخبگان، نگاه تفسیری و قرائت‌گونه به این آراء داشته باشد. البته در ضمن آن، میبایست رویکرد انتقادی و نوآورانه در فلسفه اسلامی نیز لحاظ گردد.

بحث نقادی و بحث حرف‌نوبمیان آوردن و به اصطلاح، نوآوری در علوم عقلی، یک مسئله بسیار مهمی است. گاهی هست که یک مکتبی یا یک فکری، چند تفسیر دارد؛ کما اینکه الان در این کار، غربیها [فعالند]، چون غربیها در زمینه تبلیغات و روابط عمومی واقعاً با ما قابل مقایسه نیستند، خیلی قویتر و پیشرفته‌تر از ما هستند. در

۳۸. همان، ۱۳۹۱/۷/۲۰.

۳۹. همان، ۱۳۷۹/۶/۲۰.

۴۰. همان، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

۴۱. همان، ۱۳۸۷/۶/۷.

۴۲. همان، ۱۳۸۹/۸/۲.

۴۳. همان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.

۴۴. همان، ۱۳۸۹/۸/۴.

۴۵. همان، ۱۳۹۷/۲/۳.

۴۶. همان، ۱۳۹۱/۹/۱۳.

۴۷. همان، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

۴۸. همان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۳.

این زمینه؛ شما فرض کنید راجع به هگل، من باب مثال، تفاسیر متعدّد از حرفهای او و از کتابها و متونی که او نوشته میبینید، یعنی برداشتهای گوناگون را بیان میکنند؛ خود این کمک میکند به پیشرفت فکر و منطق و عقلانیّت در حوزه علوم عقلی.^{۴۹}

از ابزارهای تعمیق فلسفه اسلامی، توجه به فلسفه تطبیقی (اعم از تطبیق درون فلاسفه اسلامی^{۵۰} یا تطبیق با فلاسفه غربی^{۵۱}) است. همچنین، از دیگر محورهای مورد تأکید معظم له، فراگیرسازی علوم عقلی در حوزههای علمیه است. بعقیده ایشان، «پرچم فلسفه اسلامی دست حوزههای علمیه بوده است و باید باشد و بماند»^{۵۲}، چراکه در صورت عدم ورود جدی حوزه علمیه به علوم عقلی، فلسفه اسلامی با آسیب تصدیگری افراد سطحی مواجه خواهد بود^{۵۳}. اهمیت این امر، پس از انقلاب اسلامی که دوران رجوع به حوزههای علمیه است دوچندان شده است^{۵۴}.

– تولید متون و مکتوبات انبوه و عمومی: ایشان ضمن تمجید از تولیدات صورت گرفته در حوزه فلسفه اسلامی در دوران معاصر، کمیت آن را مورد نقد قرار داده و بحث تولید مکتوبات انبوه و عمومی را مطرح مینمایند^{۵۵}. البته تولیدات فلسفی از دیدگاه ایشان باید شاخصههایی مانند تناسب با سطح مخاطبین، ادبیات خوب و جذاب، خلاصهسازی و توان ارائه لب مباحث را داشته باشند^{۵۶}.

۴. بسترهای پیشران

بر اساس دیدگاه ایشان، بسترها و ظرفیتهای بالایی برای توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی وجود دارد. استعدادهای جوان موجود در جامعه^{۵۷} و همچنین

فرهیختگان و نخبگان فلسفی، که بالندگی فلسفه نیازمند همت و ورود جدی آنها به این عرصه است^{۵۸}. بعلاوه، تحقق انقلاب اسلامی خود اثر وضعی در رشد علمی مسلمین داشته^{۵۹} و از حیث ظاهری نیز میتواند امکانات مادی و پشتیبانیهای لازم را از مراکز حوزوی بعمل آورد^{۶۰}.

یکی از لوازم این موضوع، نهادسازی و نهادینهسازی است؛ ایجاد نهادهای جدید که با رویکرد انقلابی بتوانند حکمت اسلامی را توسعه دهند و نهادینهسازی نهادهای موجود در انقلاب اسلامی، مانند مساجد که از دیرباز محلی برای ترویج و گسترش علوم عقلی و نقلی بوده است^{۶۱}. در عصر کنونی با رشد ابزارهای ارتباطی و فناوریانه، گسترش دانش به آن سوی مرزها نیز بسرعت انجام میپذیرد و این از جمله ظرفیتهایی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد^{۶۲}. افزون بر آن، ایجاد ظروف علمی مانند نشریات علمی و تخصصی در حوزه فلسفه نیز میتواند راهگشا باشد^{۶۳}.

۴۹. همان، ۱۳۹۷/۲/۳.

۵۰. همان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۳.

۵۱. همان، ۱۳۷۰/۶/۳۱.

۵۲. همان، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۵۳. همان، ۱۳۹۷/۲/۳.

۵۴. همان، ۱۳۷۲/۶/۲۱.

۵۵. همان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۳.

۵۶. همان، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

۵۷. همان، ۱۳۷۸/۷/۱۹.

۵۸. همان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۳.

۵۹. همان، ۱۳۹۰/۱۰/۲۹.

۶۰. همان، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

۶۱. همان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۳.

۶۲. همان، ۱۳۷۹/۸/۲۹.

۶۳. همان، ۱۳۷۳/۶/۲۰.

بعقیده معظم له، برخی تدابیر و رویکردها میتواند باعث ظرفیت‌سازی و بسترسازی برای رشد فلسفه اسلامی گردد. بزرگداشت جریان‌های فکری و فلاسفه^{۶۴}، تشویق نظریه‌پردازان^{۶۵}، رعایت منزلت اجتماعی فلاسفه^{۶۶}، وسعت دید در برخورد با مشربهای گوناگون فلسفی^{۶۷} و حتی معرفی آثار حکمای شاعر، از قبیل فردوسی^{۶۸}، از جمله این تدابیرند.

۵. بسترهای مداخله‌گر

علاوه بر بسترها و ظرفیتهای فوق، برخی آسیبها و موانع در توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی نیز مورد توجه ایشان بوده است. این موانع را میتوان در دو دسته موانع بیرونی و موانع درونی دسته‌بندی نمود:

موانع بیرونی: بعقیده ایشان یکی از موانع جدی ما «رقیب‌سازی برای فلسفه ما در دوره اخیر است. به اعتقاد بنده، قرائن و شواهد نشان میدهد فلسفه‌هایی که در ایران رایج شد، والان هم اوج آن است، عاذی نبود. خواستند برای فلسفه اسلامی رقیب درست کنند، لذا فلسفه‌های غربی را آوردند و ترجمه و ترویج کردند. با غفلت حوزه‌های علمی ما تدریجاً کار به جایی رسید که هر وقت در محیط‌های دانشگاهی اسم فلسفه برده میشد (الان هم تقریباً همینطور است) ذهن بسمت کانت و هگل و امثال اینها میرفت و تصور میشد اصلاً فلسفه محصول تفکر اینهاست»^{۶۹}. این عناد با فلسفه اسلامی خود را در عدم چاپ و پذیرش مقالات و دستاوردهای علمی فیلسوفان اسلامی در بسیاری از نشریات غربی نیز نشان میدهد.^{۷۰}

موانع درونی: علاوه بر موانع بیرونی، برخی بسترهای فرهنگی، علمی و ... نیز از جمله موانع

رشد فلسفه اسلامی است، از جمله:

— **موانع فرهنگی:** شاید مهمترین مانع جدی ما در مجامع نخبگانی را بتوان دل‌باختگی برخی متولیان به فلسفه غرب و اندیشه‌های متفکران غربی دانست. این دل‌باختگی در عرصه‌عینی منجر به تقلید کورکورانه از دیدگاه‌های آنها گردیده است. «تقلید کورکورانه از غرب بخصوص، این هم یکی از آفتهاست. چون تمدن غربی از لحاظ علمی پیشرفت داشته است و زرق و برقی دارد، از او کورکورانه تقلید کنند و هر چیزی از آنجا آمد، بپذیرند؛ چه فلسفه، چه اخلاق، چه حرفهای گوناگون»^{۷۱}.

— **موانع علمی:** فرهنگ تخصصگرایی مذموم در ادبیات علمی جامعه ما از دیگر موانع رشد و توسعه فلسفه اسلامی است. بعقیده ایشان، تخصصگرایی بمعنای محدود کردن ذهن و فکر انسان، یک نکته برجسته‌ی نیست، که همینطور تخصصها پشت سر هم همدیگر را میشکافند، یک تخصص کوچکتری، دایره محدودتری بوجود می‌آید؛ به یک معنا بخاطر رسیدگی به وضع زندگی انسان در آن تخصص خاص چیز خوبی است، اما به یک معنا محدود کردن انسان

۶۴. همان، ۱۳۹۷/۲/۳.

۶۵. همان، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.

۶۶. همان، ۱۳۸۳/۷/۵.

۶۷. همان، ۱۳۸۶/۹/۸.

۶۸. همان، ۱۳۸۵/۶/۲۶.

۶۹. همان، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

۷۰. همان، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

۷۱. همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

است، چون ظرفیت ذهن انسان خیلی وسیع است و میتواند در همه این امور صاحب نظر باشد. این جور نباشد که کسی که پزشک است، مثلاً در زمینه علوم دینی یا در زمینه فلسفه، یک آدم عامی محسوب بشود؛ نه، چقدر خوب است که یک پزشک، در زمینه علوم دیگر، در زمینه علوم عقلی، در زمینه علوم دقیقه، مسائل گوناگون طبیعی، حداقل صاحب اطلاع باشد و این کار را ما بتوانیم در کشورمان پیش ببریم. البته بمعنای تعطیل کردن تخصصها بهیچ وجه نیست، بلکه بمعنای بهره مند کردن ذهن متخصصین از محیطهای فراتر از حد تخصص آنها است.^{۷۲}

همچنین، حافظه محوری بجای فکر محوری در آموزش رسمی جمهوری اسلامی^{۷۳}، در کنار دشواری تولید فکر در مقایسه با تولید علم^{۷۴}، نیز عامل دیگری برای توقف در فلسفه اسلامی است. در درون جامعه فلسفی، جایگزینی فضای فلسفه غرب بجای فلسفه اسلامی^{۷۵}، باعث شده گرایش به فلسفه‌هایی با قاعده و مبنای مادی گسترش یابد و ذهنیت افراد در مواجهه با علوم عقلی کاملاً خالی از معنویت و معرفت دینی گردد. این امر خود را در امتداد اجتماعی و زندگی جاری آحاد جامعه نشان میدهد.^{۷۶}

— موانع انسانی: متأسفانه اصول انقلاب اسلامی هنوز بصورت کامل در نهادهای مولد فلسفه اسلامی جاری و ساری نگردیده و لذا کمیت و کیفیت رشد علمی ما در فلسفه اسلامی هنوز قابل قبول نیست^{۷۷}. این امر میتواند پس از مدتی منجر به تبدیل مراکز حکمت به ضد حکمت

گردد^{۷۸}، و چنانکه بیان شد، افراد سطحینگر را متولی فلسفه اسلامی نماید.

۶. راهبردها

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بیانات خود به راهبردهای گوناگونی برای توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی اشاره کرده‌اند که اهم آنها از این قرار است: کار جبهه‌یی و شبکه در گسترش؛ ایشان یگانه روش برای توسعه مباحث گوناگون را تبدیل شدن آن بحث به یک گفت‌وگو و مطالبه عمومی دانسته و فعالیت‌های انفرادی را مثر ثمر در دنیای امروزین نمیدانند:

ما در حوزه همیشه روش فردی را دنبال میکردیم. بنظر من، هنوز هم روشها فردی است. همین درسی که شما ملاحظه میکنید، یک کار فردی است. درست است که صد نفر، هزار نفر پای درسی نشسته‌اند، اما هر یک از آنها جداگانه با استاد و بروست و مخاطب استاد است؛ بعد هم می‌رود و مشغول کار خودش میشود. حتی مباحثه‌ها کاری فردی است. عجیب است! یک روز این آقا استاد میشود، او شاگرد؛ این گوینده است، او شنونده؛ یک روز هم او استاد میشود، این شاگرد؛ او گوینده میشود، این شنونده! یعنی کار با هم و دسته جمعی

۷۲. همان، ۱۳/۹/۱۳۹۱.

۷۳. همان، ۱۱/۲/۱۳۸۷.

۷۴. همان، ۱۴/۶/۱۳۸۹.

۷۵. همان، ۲۳/۱۱/۱۳۹۱.

۷۶. همان، ۲۲/۲/۱۳۶۹.

۷۷. همان، ۸/۹/۱۳۸۶.

۷۸. همان، ۲۳/۱۱/۱۳۹۱.

نیست، تعامل فکری نیست؛ کار فردی است. البته این کار فردی جهات حسنی هم دارد، که محسنات این کار و این شکل نباید از دست برود؛ اما روشهای دسته‌جمعی هم در دنیا معمول است؛ چرا ما از این روشها استفاده نکنیم؟^{۷۹}

تمرکز بر نظر اسلام: ایشان محور قراردادن دیدگاههای اسلامی بعنوان یک شاخص صحت سنجی را در توسعه علوم مد نظر قرار داده و دنباله‌روی از تفلسف ذهنی بدون پشتوانه دینی را مذموم می‌شمارند.^{۸۰}

رویکرد تکمیلی بجای رنسانسی: ایشان برای فلسفه اسلامی نقصانهایی را بر می‌شمارند که باید نسبت به رفع آنها برنامه‌ریزی صورت گیرد. لذا رویکرد انقلابی یا رنسانسی در فلسفه اسلامی مورد پذیرش ایشان نیست.^{۸۱}

وحدت‌انگاری عرفان، فلسفه و کلام: از دیدگاه ایشان دایره حکمت و علوم عقلی شامل فلسفه، کلام و عرفان اسلامی شده و نباید با طرح دعوا بین دیدگاههای صاحبان این علوم از رشد و توسعه آنها جلوگیری شود:

به نظر من بین فلسفه و کلام هم نباید دعوا قائل شد. مهمترین کتاب کلامی ما را یک فیلسوف، یعنی خواجه نصیر نوشته؛ اما در واقع فلسفه است. ما باید اینها را به همدیگر نزدیک کنیم؛ هیچ مانعی ندارد. فلسفه و کلام و عرفان وجوه تفارقی دارند، وجوه اشتراکی هم دارند؛ ما باید اینها را بعنوان علوم عقلی، همین تعبیری که آقایان داشتند و کاملاً تعبیر خوبی است، یا به یک معنا، حکمت، که شامل همه اینها بشود، مورد

توجه قرار دهیم و دنبال کنیم.^{۸۲}

توجه به ابعاد معنوی در گسترش فلسفه: «راه فلسفه باید راه تدبیر و افزایش ارتباط و اتصال انسان به خدا باشد؛ این را باید در آموزش فلسفه، در تدوین کتاب فلسفی، در درس فلسفی و در انجمن فلسفه، همین که به آن اشاره شد، رعایت کرد. اهل فلسفه‌یی که ما قبلاً دیده بودیم، همه همینطور بودند؛ کسانی بودند که از لحاظ معنوی و الهی و ارتباطات قلبی و روحی با خداوند، از بقیه افرادی که در زمینه‌های علمی حوزه کار میکردند، بهتر و زبده‌تر و شفاف‌تر بودند»^{۸۳}.

مسئله محوری ملی و بین‌المللی: بعقیده ایشان، فلسفه اسلامی میبایست خود را با مسائل روز جامعه اسلامی و جامعه بین‌الملل مواجه سازد.^{۸۴} این مواجهه نیز باید بصورت فعالانه و پیش‌دستانه باشد: «در حوزه علمیه باید این ظرفیت و این توان بوجود بیاید که بحرانهای فکری را پیشبینی کند. بحرانهای فکری، مثل بحرانهای سیاسی نیستند؛ بی سر و صدا و آرام وارد میشوند؛ بتدریج اثر می‌گذارند؛ ناگهان خودشان را ظاهر میکنند؛ در حالیکه علاجشان آسان نیست»^{۸۵}.

بسترسازی بجای جریان‌سازی: انقلاب اسلامی باعث جوشش علم و معنویت و انسانیت در جامعه گردیده و این مهم با بسترسازی عمومی صورت پذیرفته است. «نظام جمهوری اسلامی فقط باید

۷۹. همان، ۱۳۷۰/۶/۳۱.

۸۰. همان، ۱۳۹۱/۸/۲۳.

۸۱. همان، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

۸۲. همانجا.

۸۳. همانجا.

۸۴. همان، ۱۳۷۹/۶/۲۰.

۸۵. همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

بستر برای این معین کند؛ و آلا خودش جریان پیدا میکند. هیچکس نرفته بطور خصوص به همین آقای عباسی یا شهید شهریار، که اینها برجستگان این رشته‌اند، توصیه کند که شما بروید در این رشته؛ [خودشان] رفته‌اند، این رشته را انتخاب کرده‌اند، سرآمد شده‌اند، برجسته شده‌اند»^{۸۶}.

عدم جلوگیری از نشر آثار فلسفی مخالف:
بعقیده ایشان توسعه فلسفه اسلامی بمعنای ممنوعیت نشر آثار فلسفی مخالف با نظر حاکم نیست؛ «این منطقی است و ما مایلیم آن چیزی که از نظر صاحبش البته درست است، اما از نظر ما غلط است، منتشر شود؛ در حوزه‌های مختلف هم منتشر شود؛ کم‌اینکه مثلاً در عالم فقهت، یا در عالم فلسفه، حالا آن بخش کار ما؛ یعنی فلسفه اسلامی، و بقیه مباحث علمی، کسانی چیزهایی را مینویسند که از نظر یک جمع دیگر غلط است. آنها هم جوابش را مینویسند؛ نتیجه این میشود که مطلب رشد پیدا میکند، پرورش پیدا میکند، ذهنها قوی میشود و سخن و علم پیش میرود»^{۸۷}.

آثار و نتایج

جمع‌بندی دیدگاههای ایشان درباره فلسفه اسلامی، ما را به سه هدف اساسی در توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی میرساند. در کوتاه مدت، توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی میتواند ما را در کنترل گسترش طبیعت ناسالم یاری رساند؛ «وقتی خلأ بیان اندیشه‌های ناب و قدیم و صحیح مشاهده شد، اندیشه‌های مغشوش، غش دار، ناسالم و ناصحیح در بازار می‌آید. این امری طبیعی است؛ چون مشتری همیشه آنجا ایستاده است»^{۸۸}.

علاوه بر آن، در پاسخ به هجمه شبهات وارده به اسلام نیز بسیار مثمر ثمر خواهد بود؛ «آن چیزی که میتواند جواب شماها را بدهد، غالباً فقه نیست؛ علوم عقلی است؛ فلسفه و کلام. اینها لازم است»^{۸۹}. در گام بعدی، «به نظر من آن چشم انداز بلند مدت باید گسترش گفتمان فلسفه اسلامی در دنیا باشد؛ این را هدف قرار دهید. امروز مطلقاً این‌جور نیست، بلکه بعکس است»^{۹۰}.

در کنار آن، با توجه به دیدگاه ایشان در مورد جنبه مقدمیت و مبدائیت فلسفه برای تمدن‌سازی اسلامی، شاید بتوان از اهداف بلندمدت توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی، تمدن‌سازی نوین اسلامی را نیز در نظر گرفت.

با این توضیحات میتوان مدل نهایی توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی بر اساس دیدگاههای مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) را اینگونه ترسیم نمود:

۸۶. همان، ۱۰/۲۹/۱۳۹۰.

۸۷. همان، ۲/۲۸/۱۳۷۸.

۸۸. همان، ۶/۲۰/۱۳۷۹.

۸۹. همان، ۷/۲۹/۱۳۸۹.

۹۰. همان، ۱۱/۲۳/۱۳۹۱.

بسترهای پیشران

بسترهای انسانی: استعدادهای انسانی در ج.ا.ا - نقش آفرینی جدی نخبگان فلسفی
بسترهای نهادی و حاکمیتی: اثر وضعی حاکمیت اسلامی - نهادسازی - جذب امکانات کشوری برای فلسفه حوزه ابزارها و ظروف؛ نشر و ویژه دیدگاه های فلسفی نوین - استفاده از ابزارهای روز در نشر
تدابیر و رویکردها: تشویق از نظریه سازان - وسعت دید در برخورد با مشرب های گوناگون فلسفی - معرفی آثار شعری حکیم - رعایت منزلت فلاسفه - بزرگداشت جریانات فکری فعالیت کم هزینه و مستدل-همکاری بین المللی

راهبردها

تمرکز بر نظر اسلام نه آراء رویکرد تکمیلی به جای ریسائی کار چیهه ای و شبکه در گسترش وحدت انگاری عرفان و فلسفه و کلام توجه به ابعاد معنوی در گسترش فلسفه مساله محوری ملی و بین المللی بسترسازی به جای جریان سازی عدم مذهبیت نشر آثار فلسفی غلط

پیامدها و آثار

کوتاه مدت: جلوگیری از گسترش تفکر ناسلام در صورت فقد تفکر صحیح
بلند مدت: گسترش گفتمان فلسفه اسلامی در دنیا - فلسفه یکی از مبادی تمدن سازی

تعمیق و توسعه فلسفه اسلامی

تقویت فلسفه صدرانی
 دستگاه فلسفی
 امتداد سیاسی-اجتماعی فلسفه
 فلسفه های مضاف بنیادین

بسترهای مداخله گر

فرهنگ تخصص گرایی - ذهنیات مجرد از معنویت و خدا و عرفان - حافظه محوری به جای فکر محوری - دشواری تولید فکر نسبت به علم - جایگزینی فلسفه غرب به جای فلسفه اسلامی - ابتناء علوم انسانی بر فلسفه
فرهنگی: دلباختگی به فلسفه غرب
انسانی: عدم حاکمیت اصول انقلاب اسلامی در نهادهای مولد فلسفه - تصدی افراد سطح نگر-تبدیل مراکز حکمت به ضد حکمت
بیرونی: رقیب سازی برای فلسفه - مانعیت نشریات غربی از چاپ آثار فلسفه اسلامی

مدل مفهومی توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی

مقوله های علی

ارتقاء سطح آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی: آموزش گسترش آموزش علمی و فنی - مهارت افزایی و استعداد سنجی - فلسفه برای کودکان
فرهنگی: توسعه فرهنگ علمی - ایجاد روحیه اعتماد به نفس - ارزش انگاری علوم عقلی در جامعه
اخلاقی: اخلاق علمی
تربیتی: تربیت عقلانی
علمی: طبقه بندی و اولویت بندی علوم
تبلیغی: دعوت جوانان به علوم عقلی - الگوسازی فلاسفه برای نسل جوان
اختصاصی در حوزه معارف علمی و فلسفی:
رویکرد ها و تدابیر علمی: نقادی و نوآوری - منظومه سازی اندیشه های فیلسوفان - نگاه تفسیری و قرائت گزیده به بزرگان - فراگیر سازی علوم عقلی در حوزه علمیه - فلسفه تطبیقی - مهارت افزایی تبلیغ فلسفی و فکری روحانیون - راهبری و برنامه ریزی دقیق
تولید متون و مکتوبات عمومی وانبوه با ویژگی های ذیل:
 تناسب با سطح مخاطبین - ادبیات خوب و جذاب - خلاصه سازی و تبیین لب مطالب

منابع

- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری، بشرح ذیل:
- ۱۳۶۳، ۱۰ اردیبهشت‌ماه؛ گفتگو پیرامون شهادت استاد مطهری.
- ۱۳۶۴، ۲۶ آذرماه؛ بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح.
- ۱۳۶۹، ۲۲ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران.
- ۱۳۷۰، ۳۱ شهریورماه، بیانات در آغاز درس خارج فقه.
- ۱۳۷۰، ۸ بهمن‌ماه؛ دیدار اعضای گروه تاریخ صدای جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۳۷۱، ۲۷ بهمن‌ماه؛ دیدار جمعی از روحانیون.
- ۱۳۷۲، ۱ اردیبهشت‌ماه؛ پیام به کنگره بزرگداشت حکیم ملاهادی سبزواری.
- ۱۳۷۲، ۲۱ شهریورماه؛ بیانات در شروع درس خارج فقه.
- ۱۳۷۲، ۸ مهرماه؛ دیدار جمعی از ادبا، شعرا و هنرمندان استان آذربایجان شرقی.
- ۱۳۷۳، ۲۰ شهریورماه؛ بیانات در آغاز درس خارج فقه.
- ۱۳۷۳، ۳ بهمن‌ماه؛ دیدار هنرمندان و سینماگران.
- ۱۳۷۴، ۱۰ آبان‌ماه؛ دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان.
- ۱۳۷۷، ۲۲ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار دانشجویان دانشگاه تهران.
- ۱۳۷۸، ۲۸ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار جمعی از ناشران.
- ۱۳۷۸، ۱ خردادماه؛ پیام به کنگره بزرگداشت ملاصدرا.
- ۱۳۷۸، ۲۸ شهریورماه؛ بیانات در آغاز درس خارج فقه.
- ۱۳۷۸، ۱۹ مهرماه؛ دیدار جمعی از نخبگان علمی.
- ۱۳۷۸، ۲۳ مهرماه؛ دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۱۳۷۸، ۲۶ آذرماه؛ خطبه‌های نماز جمعه.
- ۱۳۷۹، ۱۰ شهریورماه؛ دیدار دانشجویان بسیجی طرح ولایت.
- ۱۳۷۹، ۲۰ شهریورماه؛ بیانات در شروع درس خارج فقه.
- ۱۳۷۹، ۱۴ مهرماه؛ دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه.
- ۱۳۷۹، ۲۷ آذرماه؛ دیدار جمعی از مردم در روز عید غدیر.
- ۱۳۷۹، ۹ اسفندماه؛ دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- ۱۳۸۱، ۸ بهمن‌ماه؛ دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم.
- ۱۳۸۱، ۱۶ بهمن‌ماه؛ پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسیهای نظریه‌پردازی.
- ۱۳۸۲، ۱۴ خردادماه؛ بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره).
- ۱۳۸۲، ۲۱ مهرماه؛ دیدار مردم زنجان.
- ۱۳۸۲، ۲۷ آذرماه؛ دیدار علما و روحانیون استان قزوین.
- ۱۳۸۲، ۲۹ دیماه؛ دیدار جمعی از نخبگان حوزوی.
- ۱۳۸۲، ۱۸ اسفندماه؛ دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر.
- ۱۳۸۳، ۲۲ خردادماه؛ دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی.
- ۱۳۸۳، ۱۷ تیرماه؛ دیدار جمعی از روحانیون استان همدان.
- ۱۳۸۳، ۱۷ تیرماه؛ دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان.
- ۱۳۸۳، ۷ مهرماه؛ دیدار جمعی از نخبگان علمی.
- ۱۳۸۳، ۱۷ آبان‌ماه؛ خطبه‌های نماز جمعه.
- ۱۳۸۳، ۱۷ دیماه؛ دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها.
- ۱۳۸۳، ۷ اسفندماه؛ دیدار جمعی از مهندسان.
- ۱۳۸۴، ۲۹ مهرماه؛ خطبه‌های نماز جمعه.

— ۱۳۸۴، ۲۹ دیماه؛ دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع).

— ۱۳۸۵، ۱۰ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار اعضای شورای مرکزی ستاد بزرگداشت شهید مطهری.

— ۱۳۸۵، ۱۲ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار معلمان سراسر کشور.

— ۱۳۸۵، ۲۶ شهریورماه؛ دیدار اعضای هیئتهای علمی و اجرایی و میهمانان شرکت‌کننده در کنگره بزرگداشت استاد شهریار.

— ۱۳۸۵، ۲۷ شهریورماه؛ دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌نماز.

— ۱۳۸۵، ۲۷ مهرماه؛ دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی.

— ۱۳۸۵، ۱۷ آبانماه؛ دیدار علما و روحانیون استان سمنان.

— ۱۳۸۶، ۱۲ شهریورماه؛ دیدار نخبگان جوان.

— ۱۳۸۶، ۱۳ دیماه؛ دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد.

— ۱۳۸۶، ۱۴ تیرماه؛ دیدار مداحان اهل بیت (ع) بمناسبت میلاد حضرت فاطمه (س).

— ۱۳۸۶، ۱۷ فروردین‌ماه؛ دیدار کارگزاران نظام.

— ۱۳۸۶، ۲۷ اردیبهشت‌ماه؛ دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد.

— ۱۳۸۶، ۲۷ تیرماه؛ بازدید از پژوهشکده رویان.

— ۱۳۸۶، ۸ آذرماه؛ دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمی کشور.

— ۱۳۸۷، ۱۱ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار علما و فضلا و طلاب استان فارس.

— ۱۳۸۷، ۱۱ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار مردم شیراز.

— ۱۳۸۷، ۱۴ اردیبهشت‌ماه؛ اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز.

— ۱۳۸۷، ۷ شهریورماه؛ دیدار نخبگان جوان دانشگاهی.

— ۱۳۸۷، ۷ مهرماه؛ دیدار دانشجویان.

— ۱۳۸۸، ۲۷ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار استادان و

دانشجویان کردستان.

— ۱۳۸۹، ۱۴ شهریورماه؛ دیدار اساتید دانشگاه‌ها.

— ۱۳۸۹، ۲۹ مهرماه؛ دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمی قم.

— ۱۳۸۹، ۲ آبانماه؛ دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمی قم.

— ۱۳۸۹، ۱۰ آذرماه؛ بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی.

— ۱۳۹۰، ۱۹ مهرماه؛ دیدار جمعی از دانشجویان.

— ۱۳۹۰، ۲۶ مهرماه؛ دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه.

— ۱۳۹۰، ۲۹ دیماه؛ دیدار و گفتگو با خانواده شهید داریوش رضایی نژاد.

— ۱۳۹۱، ۱۴ شهریورماه؛ دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمی سراسر کشور.

— ۱۳۹۱، ۲۲ مهرماه؛ دیدار اساتید دانشگاه‌ها.

— ۱۳۹۱، ۲۰ مهرماه؛ دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی.

— ۱۳۹۱، ۲۳ آبانماه؛ بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی.

— ۱۳۹۱، ۱۰ آبانماه؛ دیدار دانش‌آموزان با دانشجویان.

— ۱۳۹۱، ۱۳ آذرماه؛ دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت قطب‌الدین شیرازی.

— ۱۳۹۱، ۲۳ بهمن‌ماه؛ دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی.

— ۱۳۹۳، ۲۱ اسفندماه؛ دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.

— ۱۳۹۴، ۱۳ مهرماه؛ دیدار اعضای ستاد برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی شعر حوزه.

— ۱۳۹۴، ۸ دیماه؛ دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.

— ۱۳۹۵، ۱۳ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار معلمان و فرهنگیان.

— ۱۳۹۶، ۱ خردادماه؛ دیدار دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی.

— ۱۳۹۶، ۲۲ خردادماه؛ دیدار مسئولان نظام.

نبی زاده، محمد، «مبانی فلسفی و جایگاه علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی»، اندیشه تمدنی اسلام، سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵-۱۰۳.

Charmaz, C., "Grounded Theory: Objectivist, and Subjectivist Methods", in N. Denzin and Y. Lincoln (eds.), *Handbook of Qualitative Research*, 2nd edition, London, 2000.

Creswell, J. W., *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*, 2nd edition, 2005.

Glaser, B. G.; Strauss, A. L., *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Piscataway. NJ: Transaction, 1967.

Glaser, Barney G., *Emergence vs. Forcing: Basics of Grounded Theory Analysis*, Sociology Press, 1992.

Kendall, J., "Axial Coding and the Grounded Theory Controversy", *Western Journal of Nursing Research*, 21(6), 1999, pp.743-757.

McKeon, Richard, "Philosophy as an Agent of Civilization", *Philosophy and Phenomenological Research*, 1981, Vol. 41, No. 4, pp.419-436.

Charmaz, C., "Discovering Chronic Illness: Using Grounded Theory", *Social Science and Medicine*, 30, 1999.

Strauss, Anselm L.; Corbin, Juliet, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Los Angeles: Sage, 1990.

Yvonne, E. D., "A Synthesis Technique for Grounded Theory Data Analysis", *Journal of Advanced Nursing*, 2009, pp.654-663.

۱۳۹۶، ۲۲ آبانماه؛ دیدار دست‌اندرکاران همایش بررسی اندیشه‌های فلسفی علامه جعفری.

۱۳۹۷، ۳ اردیبهشت‌ماه؛ دیدار دست‌اندرکاران همایش ملی حکیم طهران (آقاعلی مدرس زنوزی).

× × ×

جهان‌بین، فرزاد؛ معینی‌پور، مسعود، «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۱۳۹۳، ص ۴۶-۲۹.

خسروپناه، عبدالحسین و همکاران، منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (نظام بینشی، منشی و کنشی)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.

دانایی فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی، «استراتژیهای پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۶، ص ۹۷-۶۹.

ساغروانی، سیما؛ مرتضوی، سعید؛ لگزیان، محمد؛ رحیم‌نیا، فریبرز، «تحمیل نظریه به داده‌ها یا ظهور نظریه از داده‌ها: نظریه‌پردازی در علوم انسانی با روش‌شناسی داده‌بنیاد»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، سال ۴، شماره ۱، ۱۳۹۳، ص ۱۷۰-۱۵۱.

فنائی اشکوری، محمد، «نگاهی گذرا به نقش اسلام در تمدن غربی»، مجله معرفت، شماره ۱۴۰، ۱۳۸۸.

کمالی اردکانی، علی‌اکبر، «انقلاب اسلامی و بازیابی تمدن اسلامی»، فصلنامه خط اول، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۸، ص ۸۰-۶۱.

منصوریان، یزدان، «گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶.

مهرابی، امیرحمزه و همکاران، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی»، مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۲۳، ۱۳۹۰، ص ۳۰-۵.

مونتگمری وات، ویلیام، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ترجمه و توضیح حسین عبدالمحمدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.